

Investigating Good Omens Astrology in the Poetry of Anvari, Nezami, and Masud Sa'd Salman

Abstract

Past generations' wide attention to the sky and constellations caused people to believe in the impact of constellations on their lives. The issue encompassed all life affairs such as destiny, victories and failures, fortunes and misfortunes, inundation, and drought. It also caused new concepts to rise, such as the good and bad omens, horoscopes, and astronomical authorization. This common belief aroused interest in Iranian poets, specifically after the second half of the fifth century of the Hijra (11th century AD). Therefore, it would be impossible to interpret the verses of those poets without having enough astronomical knowledge. In the present study, good omens in the poetries of Anvari, Nezami, and Masud Sa'd Salman have been investigated, who were also astronomers. As a result, forty-seven good omens were extracted from the poems of these poets, and their goodness was explained based on reliable and ancient astronomical works. Considering bad omens was also necessary to discuss good omens. However, due to lack of space, another research will study those bad omens.

Keywords: Astronomy, Astronomical Images, Horoscope, Astronomy in Persian Poems, Good and Bad Omens

بررسی و تحلیل باز نمود طالع‌های سعد نجوم احکامی در اشعار انوری، نظامی و مسعود سعد سلمان

نویسنده اول

نویسنده دوم

چکیده

توجه گسترده پیشینیان به افلاک و حوادث فلکی موجب باور به تاثیر افلاک در زندگی انسان‌ها شد و این امر تا جایی پیش رفت که تمام شئون زندگی، مانند سرنوشت انسان‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، خوشبختی و بدبختی، ترسالی و خشکسالی و... را در بر گرفت و موجب پدید آمدن مباحث گسترده‌ای چون سعد و نحس نجوم، طالع بینی‌ها و اختیارات نجومی شد. این باور عمومی به ویژه پس از نیمه‌های سده پنجم هجری بسیار مورد توجه شاعران ایرانی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که تفسیر بسیاری از ابیات شاعران بزرگ این دوران، بدون آگاهی کافی از دانش نجوم، باورها و احکام نجومی ناممکن است. در این پژوهش طالع‌های سعد را در اشعار انوری، نظامی و مسعود سعد سلمان که هر سه از حکیمان آگاه به نجوم بوده‌اند، بررسی کرده‌ایم. در نتیجه این پژوهش چهل و هفت طالع سعد را از اشعار این شاعران استخراج کرده و با مراجعه به آثار معتبر و کهن نجومی، علت سعد خوانده شدن آن‌ها را توضیح داده‌ایم. برای سخن گفتن از طالع‌های سعد، نیاز بود طالع‌های نحس را نیز معرفی کنیم؛ اما به سبب گستردگی مطالب، طالع‌های نحس را در مقاله‌ای دیگر بررسی کرده‌ایم.

کلید واژه‌ها: نجوم احکامی، تصاویر نجومی، طالع‌بینی، نجوم در شعر فارسی، سعد و نحس

مقدمه

یکی از پرکاربردترین واژه‌های نجومی در اشعار فارسی، واژه طالع است. امروز طالع را در معنی بخت و اقبال به کار می‌برند اما طالع در آثار نجومی چنین معنی شده است: «برآینده، طلوع کننده، اختر طالع، برج طالع، درجه طالع و نیز جزویست از منطقه البروج که در وقت مفروض در افق شرقی باشد. اگر آن وقت زمان ولادت شخصی بود آن را طالع مولود یا طالع آن شخص گویند. و اگر در اول سال شمسی باشد آن را طالع آن سال گویند و درجه آن را درجه طالع. طالع مشهورترین واژه نجوم احکامی است.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۴۸۶ و ۴۸۷). و همچنین ابوریحان بیرونی درباره طالع می‌گوید: «طالع آن بود که اندر وقت به افق مشرق آمده باشد از منطقه البروج، برج را طالع و درجه را درجه طالع [گویند.]» (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲۰۵). در نجوم احکامی برای انجام هر کاری مراجعه به طالع و انتخاب و اختیار زمان مناسب سفارش شده است. بر همین اساس است که شاعران فارسی زبان به طالع و سعد و نحس‌های نجومی بسیار پرداخته‌اند و بسامد تعبیهایی چون طالع، طالع بین، طالع بینی، طالع سعد، طالع نحس، اختر بخت، وبال اختر، نیک اختر، و اصطلاحات نجومی بسیاری که بیانگر حالت طالع است در شعر فارسی بسیار فراوان و چشمگیر است. و این امر موجب شده است تا درک و تفسیر بسیاری از اشعار فارسی نیازمند دانستن نجوم احکامی باشد.

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت اعتقاد به تاثیر نجوم و فلک در اعمال زمینی و زندگی انسان‌ها، بسیاری از حکیمان و دانشمندان و گاه روحانیان ادیان مختلف به آن توجه کرده و کتاب‌هایی نیز به عربی و فارسی درباره آن نوشته‌اند. احکام الاعوام ابومعشر بلخی، رساله شرح ثمره بطلمیوس در احکام نجوم از خواجه نصیرالدین طوسی و التفهیم لاوائل صناعه التنجیم ابوریحان بیرونی از آن جمله‌اند. همچنین کاربرد فراوان تصاویر و

مفاهیم نجومی در اشعار فارسی که نشان دهنده توجه فراوان شاعران به این موضوع است، موجب شده است که ادیبان و ناقدان ادبی از زوایای گوناگونی به بررسی نجوم در شعر فارسی بپردازند. از جمله: مصفی (۱۳۸۱) «فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی» را نگاشته است. این فرهنگ اثری کاربردی است که در آن نویسنده کوشیده تا آنجا که میسر بوده اصطلاحات نجومی و تقویمی را که در ادبیات ایران به کار رفته است همراه با واژه‌ها و استعارات و تعبیر مربوط به آن‌ها در شعر فارسی گردآوری کند.

ماهیار (۱۳۹۳) در «نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی» به معرفی نجوم قدیم و بازتاب آن در شعر پارسی پرداخته است.

الهامی (۱۳۸۸) با بررسی نجوم احکامی در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر نظامی بیان کرده که نظامی اطلاعات و آگاهی وسیعی از دانش نجوم داشته و از آن به عنوان ابزاری در آفرینش کلام ادبی و صورت‌های خیال انگیز شاعرانه بهره برده است.

صرفی، م. و افاضل، ر. (۱۳۸۹) به بررسی بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجه کرمانی پرداخته اند. در این مقاله ابتدا علم احکام نجوم و باورهای شکل گرفته پیرامون آن بررسی شده و سپس نویسندگان به تحلیل ابیات جمع آوری شده پرداخته اند.

هیچ یک از پژوهش‌های انجام گرفته به صورت اختصاصی به معرفی طالع‌های سعد و نحس نجوم احکامی در اشعار فارسی نپرداخته و علت سعد یا نحس معرفی شدن طالع‌های نجوم احکامی را توضیح نداده‌اند.

روش

روش این پژوهش، توصیف و تحلیل محتواست. ابتدا با مطالعه اشعار مسعود سعد، انوری و نظامی، ابیات مرتبط با موضوع گردآوری شده و پس از دسته‌بندی، بررسی، تحلیل و شرح شده است.

طالع‌های سعد نجومی در اشعار نظامی، انوری و مسعود سعد

سعد بودن ستاره یا طالع، گاه به سبب اعتقاد به سعد بودن برخی ستاره‌ها و گاه به سبب طلوع یا حضور یک ستاره در جایگاه خاصی از منطقه البروج بوده و گاه از همنشینی و همزمانی دو یا چند ستاره پدید می‌آمده است. شهردان ابن ابی‌الخیر درباره سعد و نحس نجوم می‌گوید: «منجمان متفقند که زحل نحس بزرگ است و مشتری سعد بزرگ و مریخ نحس کوچک و زهره سعد خرد و شمس سعد از دوستی و نحس

از دشمنی و قمر به ذات خویش سعد است لکن از جهت نهاد او و پیوستن ستارگان بگردد و عطارد با سعد، سعد و با نحس، نحس و پذیرنده طبع هاست و چون تنها بود به سعادت گراید.» (شهمردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). او در ادامه این سخنان به نکته مهمی اشاره کرده و می‌گوید: «آنچه گفتیم سخنی مطلق است و بر این اعتماد و اعتبار نشاید کردن چه زحل که نحس بزرگ است چون جایگاهی بود موافق او و آنجا حظی دارد نحوست او بشود و سعادت دهد که از آن بهتر نبود. و مشتری که سعد بزرگ است چون ساقط بود و جایگاهی بود بد و ناموافق، او بدبختی و قطع آورد. چه این ناموافقی او را از طبع خویش و سعادت داذن باز می‌دارد و هر چند بر این جمله باشد زحل را سعد نگویند و مشتری را نحس، لکن گویند زحل بر طبع سعد است و مشتری بر طبع نحس.» (همان). با توجه به این سخنان، در شناختن طالع‌های سعد و نحس نجوم، جایگاهی که ستاره در آن قرار دارد بسیار مهم است و طبع ستاره و جایگاه آن است که در تعیین طالع موثر است. در ادامه طالع‌های سعد نجوم را در اشعار نظامی، مسعود سعد و انوری با توجه به طبع ستارگان و جایگاه ایشان در منطقه البروج و ارتباط ستارگان با یکدیگر بررسی می‌کنیم.

۱- طالع جوزا

پیشینیان بر این باور بودند که «هر کس به طالع جوزا متولد شود صاحب دولت و عقل و بخت است و رسم شاهان قدیم بوده که بخت فرزندان خود را از جوزا انتخاب می‌کردند، بدین گونه که خرمی جوز مهیا کرده و هر یک از آنان جوزی برداشته و می‌شکست، اگر مغز داشت خوشبخت بود و او را ولیعهد می‌ساختند. [این بیت] یعنی از طالع جوزا به خوشبختی بر آی و آنگاه جوز بشکن؛ کنایه از این که با دولتیان همدم شو تا دولتمند گردی.» (نظامی، مخزن الاسرار، ۱۳۸۳: ۱۳۱). پس داشتن طالع جوزا مبارک و فرخنده بوده است.

بخت ور از طالع جوزا بر آی جوز شکن آنگه و بخت آزمای

(نظامی، مخزن الاسرار، ۱۳۸۳: ۱۳۱)

۲- ذنب مریخ

مریخ، نحس اصغر است و «عقده ذنب یکی از دو نقطه تقاطع فلک حامل و فلک مایل قمر است و آن را به فارسی جوزهر دم می‌گویند.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۰۴).

زکال از دود خصمش عود گردد که مریخ از ذنب مسعود گردد

(نظامی، خسرو شیرین، ۱۳۸۳: ۲۷)

نظامی می گوید: زغالی که بی ارزش و زشت است، هنگامی که دشمن را می سوزاند، برای دوستان چون عودی گرانها و خوشبو می شود. و برای اثبات ادعای خویش تمثیل مصراع دوم را می آورد و می گوید: مریخ که نحس است هنگامی که در ذنب که خود زشت و نازیبا و نحس است، قرار می گیرد، خوش یمن و مبارک می شود.

۳- ماه در ثریا و قمر در برج آبی

عروسی دید چون ماهی مهیا که باشد جای آن مه بر ثریا
فشانند از دیده باران سحابی که طالع شد قمر در برج آبی
(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۷۳)

نظامی ابتدا جایگاه شایسته چنین ماهی را ستارگان ثریا بیان می کند. و سپس می گوید: شیرین چون ماهی از برج آبی چشمه سار طالع گردید و دیده خسرو از شوق و شگفتی دیدار او بارید. با توجه به اینکه « طلوع قمر از برج آبی نزد منجمان قدیم دلیل نزول باران است. » (نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۷۳) و باران، نشانه برکت و فراوانی است، پس طلوع قمر در برج آبی که در اینجا برای دیدار دو عاشق و گریه خسرو بیان شده است، فرخنده و مبارک است. دوازده برج را با توجه به ارکان چهارگانه آب و باد آتش و خاک، به چهار دسته تقسیم کرده اند؛ برج های آبی: برج دارای مزاج سرد و تر، برج های آتشی: برج دارای مزاج گرم و خشک، برج های بادی: برج دارای مزاج گرم و تر، برج های خاکی: برج دارای مزاج سرد و خشک. (اکبری و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۷).

۴- ماه در برج ماهی

چو سر بر کرد ماه از برج ماهی مه پرویز شد در برج شاهی
(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

نظامی می گوید: هنگامی که ماه از برج ماهی طلوع کرد، خسرو بر تخت شاهی نشست. بر تخت نشستن، اتفاق مهمی است، و برای چنین امور مهمی، پادشاهان از منجمان درخواست می کرده اند که زمانی مبارک و میمون را انتخاب کنند. پس طلوع ماه در برج ماهی، فرخنده و میمون است. چرا که ماه خود به ذات خویش سعد است و حوت از برج های آبی است که دلالت بر سعادت دارند.

۵- تثلیث زهره در برج ثور

تثلیث « قرار گرفتن ماه است در جایی که فاصله آن تا خورشید یک سوم فلک البروج، (۱۲۰) درجه می باشد. (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۲۷). تثلیث از جمله نظرهای کواکب است.» (همان). نظر « هر یک از پنج حالت سیارات: مقارنه، تسدیس، تربیع، تثلیث، مقابله، نظر یا مشاکله نظری گویند...، تثلیث و تسدیس دو نظر مودتند و مسعود زیرا تحقق آن در دو برج متفق الطبیعه روی دهد. نظر تثلیث نظر تمام دوستی و نظر تسدیس نیم دوستی است و مقابله و تربیع دو نظر عداوتند و منحوس، مقابله تمام دشمنی و تربیع نیم دشمنی است و تحقق این دو نظر در بروج مختلف الطبیعه است. مقارنه یا اتصال از تمام این نظرات در تاثیر قوی تر است.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۷۹۶ و ۷۹۷).

پس تثلیث زهره در برج ثور بدین معناست که زهره در برج ثور باشد و فاصله ماه تا خورشید یک سوم فلک باشد. (ماه در زاویه ۱۲۰ درجه ای از خورشید قرار گرفته باشد). این حالت مبارک است و به همین سبب برای زمان تاجگذاری و بر تخت نشستن خسرو انتخاب شده است.

ز ثورش زهره وز خرچنگ برجیس سعادت داده از تثلیث و تسدیس

(نظامی، خسرو و شیرین: ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۶- تسدیس برجیس در خرچنگ

تسدیس « قرار گرفتن ماه است در نقطه ای که فاصله آن تا خورشید یک ششم فلک (۶۰) درجه باشد. (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۳۵). و از جمله نظرات کواکب است (همان). و نشانه دوستی و مودت. پس هنگامی که برجیس (مشتري) در برج خرچنگ (سرطان) باشد و فاصله ماه تا خورشید یک ششم فلک باشد، زمانی سعید و میمون است.

۷- تابش خورشید از حمل بر زحل در دلو

حمل خانه شرف خورشید است و حضور خورشید در حمل مبارک است. دلو هم یکی از دو خانه کیوان است و کیوان در دلو به قوت می رسد. تابیدن خورشید از حمل بر زحل در دلو، بیانگر برتری سعادت خورشید بر قوت نحسی زحل است که طالعی خجسته را رقم می زند.

ز پرگار حمل خورشید منظور به دلو اندر فکنده بر زحل نور

(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۸- عطارد در جوزا

انوری در برج دو پیکر (جوزا) بودن تیر (عطارد) را نشانه شکوه و سعادت دانسته و گفته است.

نه به فرّ تو در کمان برجیس نه به طبع تو در دو پیکر تیر

(انوری، ۱۳۳۷: ۳۷۹)

عطارد دو خانه دارد؛ جوزا و سنبله. شرف عطارد در سنبله است. از آنجایی که هر ستاره در خانه خود قوت بیشتری دارد، در جوزا بودن عطارد نشان بر قوت آن دارد و مبارک است.

عطارد کرده ز اول خط جوزا سوی مریخ شیر افکن تماشا

(نظامی، خسرو شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

تولد فرزند نیز در هنگامی که عطارد در جوزا باشد نیکو خوانده شده است. گفته شده که طالع مبارک تولد اسکندر نیز هنگام حلول عطارد در جوزا بوده است.

عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

۹- می در کاس کردن ذنب مریخ را

«راس و ذنب (سر و دم) دو نقطه تقاطع فلک حامل و فلک مایل قمر است. این دو نقطه را عقدتین و جوزهرین و عقده راس و ذنب هم گفته‌اند.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۱۰). اندر فلک قمر دو عقده است بر یکدیگر افتاده برین مثال از تقاطع دو دایره، و هر کوکبی را جوزهری حقیقی هست لکن از جهت آن که قمر به ما نزدیک‌تر است و خسوف و کسوف را سبب این است پس عقده [آن به کار دارند و از این] دو عقده آن که سوی شمال بوذ راس خوانند و آن که سوی جنوب بوذ ذنب [گویند و شکل بر این مثال است] (شهمردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۵۹). «کاس: الکاس، سرنگون، مجموعه سه ستاره در مشرق و نزدیک صورت غراب.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۱۵). پس وقتی مریخ که نحس اصغر است، توسط ذنب که نیکو نیست در کاس می‌افتد که معنای سرنگونی می‌دهد و همچنین نزدیک صورت غراب است (به بد یمن بودن غراب نیز می‌شود توجه کرد)، طالعی سعد اتفاق افتاده است. زیرا مریخ نحس به نحوسست رفته و این مبارک است. گویی دشمنی به دست دشمنی دیگر سرنگون شده باشد.

ذنب مریخ را می کرده در کاس شده چشم زحل هم کاسه راس

(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۱۰- هم کاسه راس شدن چشم زحل

« گفته‌اند که راس مشتری را سود کند و زهره را نه سود کند و نه زیان و دیگر ستارگان را زیان کند. » (شهردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). پس راس زحل را که نحس بزرگ است، زیان می‌رساند و زیان دیدن نحس، مبارک است.

ذنب مریخ را می کرده در کاس شده چشم زحل هم کاسه راس

(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۱۱- طالع مشتری

دارد از لطف تو برجیس و ز قهر تو زحل این سعادت مستفاد و آن نحوس مستعار

(انوری، ۱۳۳۷: ۲۷۹)

بخت و طالع مشتری (برجیس) داشتن، مبارک است. چرا که « منجمان متفق‌اند که زحل نحس بزرگ است و مشتری سعد بزرگ و مریخ نحس کوچک و زهره سعد خرد. » (شهردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱).

سعد اکبر بدان بود برجیس که برد دولت تو را فرمان

(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۸۷۶)

مجنون شبی در فراق لیلی، خطاب به ستاره مشتری می‌گوید:

کای مشتری ای ستاره سعد ای در همه وعده صادق الوعد

ای در نظر تو جانفزایی در سکه تو جهان گشایی...

ای بخت مرا بلندی از تو دل را همه زورمندی از تو

(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

نظامی، مشتری را ستاره سعد و صادق الوعد خوانده و نظر مشتری را موجب جانفزایی و جهان گشایی می‌داند. او فتح و ظفر را نیز از مشتری دانسته و برقراری نظام عالم و صلاح امور و داشتن بخت و اقبال بلند را از این ستاره می‌داند.

چو آگه شد که شاه مشتری بخت رسانید از زمین بر آسمان تخت

(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

برجیس با سعادت و خورشید بی همال

(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۸۲۳)

گوید تو را زمانه و خواند تو را فلک

۱۲- عطارد در برج ماه

« و قمر به ذات خویش سعد است لکن از جهت نهاذ او و پیوستن [با] ستارگان بگردز و عطارد [ممتزج] با سعد، سعد و با نحس، نحس و پذیرنده طبع هاست و چون تنها بود به سعادت گراید. » (شهردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). عطارد ستاره‌ای ممتزج است؛ با ستارگان سعد سعادت می‌یابد و با ستارگان نحس، منحوس می‌شود؛ پس چون عطارد با ماه که ستاره‌ای سعد است قران کند، سعادت می‌یابد و طالعی مبارک و فرخنده خواهد بود.

مرا در بزمگاه شاه بردند عطارد را به برج ماه بردند

(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۳۸۱)

پس نظامی خود را به عطارد و شاه را به ماه مانند کرده است و به دربار شاه رفتن خود را چون به برج ماه رفتن عطارد، نیکو خوانده است.

۱۳- طالع زهره

زهره سعد اصغر است و طالع آن خوش و مبارک خوانده شده است. نظامی، زهره را طالع بخت و دولت و پیروزی می‌داند.

بر زهره نظر گذاشت اول گفت ای به تو بخت را معول

ای زهره روشن شب افروز ای طالع دولت از تو پیروز...

(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۸۳: ۱۶۴ و ۱۶۵)

۱۴- طالع حوت

« صاحب طالع حوت نیکو و سخی و پاکیزه و خداوند آرزوهاست؛... جایگاه فرشتگان و عابدان و هیربدان [است.] » (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۱۳ و ۲۱۴). نظامی، طالع بهرام را در بزرگی و عالم افروزی، به حوت منسوب کرده است.

یافتند از طریق پیروزی در بزرگی و عالم افروزی

طالعش حوت و مشتری در حوت زهره با او چو لعل با یاقوت

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

۱۵- مشتری در حوت

هم مشتری ستاره سعد است و هم برج حوت دارای طالعی نکوست، پس حضور مشتری در برج حوت نیز طالعی مبارک پدید می آید.

۱۶- زهره با حوت

زهره سعد اصغر است و حوت برجی مبارک. شرف زهره در حوت است. (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۲).
نظامی طلوع زهره در برج حوت را مانند هم نشینی لعل و یاقوت خوانده است.

طالعش حوت و مشتری در حوت زهره با او چو لعل با یاقوت

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

۱۷- ماه در ثور

ماه در ثور و تیر در جوزا اوج مریخ در اسد پیدا

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

برج ثور، خانه شرف ماه است و شرف هر ستاره ای نیکو و مبارک دانسته می شود. همچنین نظامی در ثور بودن ماه را هم شان در جوزا بودن تیر معرفی کرده است. جوزا یکی از دو خانه تیر است و در خانه بودن ستاره موجب قوت و در نتیجه سعادت طالع آن می شود.

عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

نظامی خود در ارجمند بودن ماه در برج ثور گفته است:

پیش آن گاو رفت چون مه بدر ماه در برج گاو یابد قدر

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۱۱۳)

۱۸- رو کردن ذنب به زحل

ذنب آورده روی در زحلش و آفتاب اوفتاده در حملش

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

مجا سده ذنب با کواکب نحس، سعد است و با کواکب سعد، نحس. در این بیت ذنب با زحل خود که از او شرف می گیرد رو به رو شده و آفتاب در برج حمل خود که خانه شرف اوست جای گرفته است.

۱۹- آفتاب در حمل

حمل خانه شرف شمس است و رفتن آفتاب را، از حوت به حمل، آغاز نوروز گرفته و پر سعادت خوانده‌اند. (ر. ک به رازی، بی تا: ۱۷۳). نظامی تولد اسکندر که آن را فالی نیکو خوانده را نیز هنگام شرف یافتن آفتاب در برج حمل بیان کرده است.

شرف یافته آفتاب از حمل گراینده از علم سوی عمل

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

مسعود درباره شرافت حلول آفتاب در حمل می گوید:

جمال یافت خرد زو چو تن ز لطف روان شرف گرفت هنر زو چو خور ز برج حمل

(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۵۶۱)

۲۰- طالع اسد

اسدی بود کرده طالع تخت طالعی پایدار و ثابت و سخت

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

طالع برج اسد مبارک است و برای بر تخت نشستن پادشاهان اختیار می شده است. (ر. ک. به بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۷۸). در بیت بالا می بینیم که ستاره شناسان طالع بر تخت نشستن بهرام را اسدی پیش بینی کرده بودند که نظامی آن را طالعی پایدار و ثابت و سخت خوانده است. این صفات خود نشان از مبارکی طالع اسد دارند. تولد اسکندر نیز در طالع اسد اتفاق افتاده است که خداوند زور و شجاعت و نشان چیرگی بر دشمنان است. به همین سبب نظامی آن را کور کننده دیده دشمنان خوانده است.

اسد بود طالع خداوند زور کزو دیده دشمنان گشت کور

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

۲۱- قران آفتاب و عطارد

قران یا اتصال گرد آمدن دو یا چند ستاره در یک برج است. قران «بین دو کوکب که یکی در مدار بالاتر و دیگری در مدار پایین تر است روی می دهد. این دو کوکب چون در یک برج به یک درجه رسند در نجوم احکامی آن دو را متصل یا مقترن

گویند. قران اگر به طور مطلق باشد قران یا اجتماع زحل و مشتری است و اگر مقصود قران دو اختر دیگر باشد آن اختران به دنبال کلمه قران ذکر می‌شوند. مانند قران مشتری و ماه یا قران مریخ و ماه و غیره.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۰). خورشید سعد از دوستی است و نحس از دشمنی و عطارد پذیرنده طبع‌هاست؛ با سعد، سعد است و با نحس، نحس. بدین ترتیب مقارنه آفتاب و عطارد طالعی نیکو و مبارک است و در اوج بودن ستاره بر قوت طالع آن می‌افزاید و در این بیت چون خورشید در اوج قرار دارد بر دوستی آن افزوده می‌شود.

آفتابی در اوج خویش بلند در قران با عطاردش پیوندد

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

۲۲- زهره در برج ثور

ثور و میزان خانه‌های زهره هستند. هر ستاره‌ای در خانه خودش قوت می‌گیرد و بر تاثیر آن افزوده می‌شود. پس تاثیر سعادت زهره در برج ثور افزایش می‌یابد. (ر.ک به مروزی بخاری، بی‌تا: ۱۵۶ و ۱۵۷).

برای تولد اسکندر نیز چنین طالعی قائل شده‌اند.

عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

۲۳- مشتری در قوس

انوری شکوه ممدوح را بر فر و شکوه در قوس (کمان) بودن مشتری (برجیس) برتری داده است.

نه به فر تو در کمان برجیس نه به طبع تو در دو پیکر تیر

(انوری، ۱۳۳۷: ۳۷۹)

قوس و حوت دو خانه مشتری هستند. پس مشتری در قوس قوت می‌گیرد و سعادت آن بیشتر می‌شود. نظامی زمان تولد اسکندر را در این طالع فرخنده معرفی کرده است.

بر آراسته قوس را مشتری زحل در ترازو به بازیگری

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

در دهم ماه و در ششم بهرام مجلس آراسته به تیغ و به جام

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

برج دهم برج جدی است. از نظر منجمان قدیم حلول قمر در جدی آثار متعددی دارد. از جمله: « حلول قمر در جدی دلالت کند بر اندوه عامه و محبوسى مردم و حیرت رسولان و مسافران،... در وقت حلول راس در برج سنبله دلالت کند بر فساد کشت و غلات و افتادن کرم در میوه‌ها و احتراق چیزها و تصرف ملوک در زمین‌های بائر و خراب و آبادان و شهرساختن و زراعت کردن و عموم خیرات و برکات و سلامتی حبوب و غلات و حدوث سرسام در میان مردم.» (مدرسی گیلانی، بی‌تا: ۲۲). و « اگر مشتری یا زحل دوم واقع شود مولود مسعود پادشاه بزرگ گردد و بر دشمنان چیره دست شود. و نیز هرگاه قمر در جدی، که خانه زحل است، و در نه بهر زحل جای گیرد، دلالت کند که اکثر عالم فرمانبردار...» (علامی، ۱۹۱۳: ۳۶). متأسفانه ادامه متن این نوشتار اکبرنامه موجود نیست، اما از سیاق سخن و همچنین با اتکا به این که با عبارت « و نیز»، حلول قمر در جدی را با طالع پیشین که مولود مسعود خوانده و آن را نشان چیره دستی پادشاه بر دشمنان دانسته است، می‌توان نتیجه گرفت که علامی قمر در جدی را دلالت بر فرمانبرداری دشمنان یا عالمیان از پادشاه می‌دانسته که بیانگر طالعی مسعود است. در این ابیات نظامی از طالع مبارک در زمان بر تخت نشستن بهرام می‌گوید، پس او نیز قمر در جدی را مبارک در نظر گرفته است و از همین روی است که در بیت، ماه مجلس را با باده نوشی آراسته است.

از دلایل دیگر سعد بودن حلول قمر در جدی، منازل مبارک قمر در برج جدی است. جدی « از بیست و هشت ستاره تشکیل یافته است، دو ستاره نیز خارج از صورت دارد، ستارگان اول و سوم از این برج را سعد ذابح گویند که منزلگاه بیست و دوم ماه می‌باشند.» (نبی، ۱۳۶۶: ۴۵).

دست کیوان شده ترازو سنج سخته از خاک تا به کیوان گنج

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

میزان یا ترازو خانه شرف زحل یا کیوان است. در برج شرف بودن ستاره مبارک و فرخنده است. در این بیت هم گنج سنجیدن (سختن) کیوان که بیانگر به دست آوردن و شمردن گنج است، نشانه‌ای بر مبارک بودن این طالع است. نظامی در تولد اسکندر نیز به این طالع اشاره کرده است.

بر آراسته قوس را مشتری زحل در ترازو به بازیگری

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

۲۶- طالع ثور

داشت دور زمانه طالع ثور صاحب زهره، زهره صاحب دور
در چنان دور غم کجا باشد؟ که در او زهره کدخدا باشد؟

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

« برج ثور در بسیاری از تمدن‌های کهن نماد قدرت بوده است. » (فشنگ ساز، ۱۳۹۱: ۲۴). داشتن طالع ثور مبارک و فرخنده است. درباره حلول زهره در برج ثور باید افزود که «ثور خانه زهره است، پس اگر طالع زمانه ثور و زهره که ستاره مطربان است در برج ثور و خانه خود باشد، دور دور شادی ست نه غم.» (نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

۲۷- اجتماع ماه و پروین

بر سریر آی و پیش من بنشین سازگار است ماه با پروین

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

پروین، شش یا هفت ستاره است که یکی از منازل بیست و هشت گانه ماه است. «در باورهای بسیار کهن عامیانه پروین نمودار جمعیت است... و نگرستن به پروین موجد جمعیت خاطر... تصور می‌شده است.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۰۴). «در طلوع ثریا به زعم اعراب باران می‌بارد، بدین علت ثریا نزد ایشان نشانه فراخی و ارزانی ست... و مقارنه ثریا با ماه نزد اعراب نشانه‌ای از پایان یافتن سردی هوا و زمستان می‌باشد.

«همان، ۱۰۲). پس ماه با پروین سازگار است و این سازگاری موجب فرخندگی و خوش یمنی ست.

۲۸- زهره در تسدیس

تسدیس «قرار گرفتن ماه است در نقطه‌ای که فاصله آن تا خورشید یک ششم فلک (۶۰) درجه باشد. (مصفی: ۱۳۵۷: ۱۳۵). و از جمله نظرات کواکب است (همان). و نشانه نیم دوستی و مودت. زهره که سعد اصغر است هنگامی که در تسدیس که نشانه نیم دوستی است قرار بگیرد، طالعی مبارک روی داده است. نظامی همنشینی سلیمان نبی و بلقیس را به در تسدیس بودن زهره تشبیه کرده و با نظر به شریف و گرمی بودن ایشان در باور مومنین، حضور زهره در تسدیس را مبارک دانسته است.

گفت وقتی چو زهره در تسدیس با سلیمان نشسته بد بلقیس

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۱۷۸)

۲۹- تثلیث مشتری با زحل

تثلیث «قرار گرفتن ماه است در جایی است که فاصله آن تا خورشید یک سوم فلک، (۱۲۰) درجه می‌باشد. تثلیث از جمله نظرهای کواکب است و نظر تثلیث تمام دوستی است. (مصفی: ۱۳۵۷: ۱۲۷).

چون به تثلیث مشتری و زحل شاه انجم ز حوت شد به حمل

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۲۹۲)

۳۰- عطارد در سنبله

جوزا و سنبله خانه‌های عطارد هستند و شرف عطارد در برج سنبله است.

من که نقاش نیشکر قلمم رطب افشان نخل این حرمم

نی کلکم ز کشتزار هنر به عطارد رساند سنبل تر

سنبله کرد سنبلم را خاص گر چه القاص لا یحب القاص

(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۳۲۲)

نظامی در این ابیات با مفاخره به هنر شاعری خویش، قلم خود را با عطارد که منشی و دبیر فلک است هم سطح دانسته و از این جهت ضرب المثل «القاص لا

یحب القاص» را به کار برده است تا بگوید عطارد در دبیری و نویسندگی به من حسادت می‌ورزد.

۳۱- زهره در میزان

زهره دو خانه دارد؛ ثور و میزان. میزان خانه شرف زهره است و در میزان بودن زهره فرخنده و مبارک است.

چو زهره درم در ترازو نهم ولی چون دهم بی ترازو دهم

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۳۶)

نظامی در این بیت اشعار خویش را به درم تشبیه می‌کند و منظورش از در ترازو نهادن درم، سنجیدن سخن است. او می‌گوید: درم سخن را زهره وار در ترازو می‌سنجم ولی هنگام بخشش بی‌ترازو و بی‌حد و اندازه سخن می‌بخشم.

نظامی در شرفنامه هنگام بیان نسب اسکندر به طالع تولد او پرداخته و با بیان چندین طالع نجومی مبارک، طالع اسکندر را فرخنده معرفی می‌کند.

اسد بود طالع خداوند زور کزو دیده دشمنان گشت کور
شرف یافته آفتاب از حمل گراینده از علم سوی عمل...
ششم خانه را کرده بهرام جای زحل در ترازو به بازیگری

(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۷۰ و ۶۹)

طالع تولد اسکندر، اسدی است و در هنگام به دنیا آمدن او آفتاب در حمل، عطارد در جوزا، مشتری در قوس، زحل در میزان، بهرام در سنبله بوده است و ماه و زهره در ثور قران داشته‌اند (نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۷۰ و ۶۹) که تمامی این حالات نیکو و مبارک است.

۳۲- بهرام در سنبله

سنبله خانه فرح بهرام است. خانه فرح، خانه شادی ستاره است. «فرح از قوت‌های کواکب است. و فرح کوکب همان ابتزار کوکب سیار است در برج طالع یا بروج دیگر» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۵۵). ابتزار کوکب، خشنودی کوکب است و «هرگاه حظوظ کوکبی در یک برج فراوان باشد، گویند این کوکب در ابتزار است» (همان، ۱۲). خواجه نصیرالدین در فرح کواکب آورده است:

زهره در پنجمین بود پدرام هم چو در خانه ششم بهرام

(مصفی، ۱۳۵۷: ۵۵۵)

بسیاری از منجمان طالع سنبله را برای تولد نوزاد بسیار مبارک می‌دانستند چنان که می‌گفتند: «طالع ولادت پیغمبران سنبله و میزان است و طالع حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میزان بود.» (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۳: ۱۳۰).

۳۳- قران ماه و زهره

ماه به ذات خویش سعد است و زهره نیز سعد اصغر است، پس اتصال این دو طالعی سعد را رقم می‌زند. قران ماه و زهره را برای آغاز کارها بسیار نیکو دانسته‌اند.

گر بود مه مقارن زهره باشد آغاز کارها شهره
(مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۸)

مسعود سعد نیز قران ماه و زهره را مبارک و شادی بخش خوانده است.

آری چو ماه و زهره به یک جا قران کنند
عیش و نشاط و شادی و لهُو اقتضا کنند
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۲: ۹۶۱)

۳۴- قران ماه و زهره در ثور

ثور خانه زهره است و سعادت زهره در آن قوت می‌گیرد. و همچنین خانه شرف ماه است. هم ماه در ثور و هم زهره در ثور طالعی سعید و مبارک را رقم می‌زنند.

۳۵- نظرهای مشتری

درباره ستاره مشتری که سعد اکبر است گفته‌اند که نظرهای او از تربیع و تثلیث همه سعادت است و نحوست ندارد.

چو سیاره مشتری سربلند نظرهای او یک به یک سودمند
به تربیع و تثلیث گوهرافشان مربع نشین و مثلث نشان
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

این ابیات در ستایش اتابک نصرت الدین سروده شده و بدین معنی است که او چون ستاره مشتری بلند مکان و سربلند است و نظرهای تربیع و تثلیث او گوهر افشان است. نظامی، چهار زانو نشستن سلطان را تربیع او و مثلث (دو زانو) نشاندن بزرگان و امرا را تثلیث او تعبیر کرده است.

۳۶- خورشید در راس

«اگر خورشید در عقده راس و قمر در عقده ذنب باشد و مقابله تمام باشد خسوف واقع شود.» (شهیدی، ۱۳۷۳: ج ۶: ۵۱۴).

انوری مقابله ناصرالدین ابوالفتح طاهر، را با دشمن، به مقابله خورشید و ماه در راس و ذنب تشبیه کرده است.

خصم اگر لاف تقابل زند از روی حسد حق شناسد که که بوالقاسم و که بولهپ است
ور مقابل نهمش نیز به یک وجه رواست تو چو خورشید به راس او چو قمر در ذنب است
(انوری، ۱۳۳۷: ۵۱)

در این حالت، ماه در عقده زیرین تقاطع فلک حامل و فلک قمر قرار می‌گیرد و سایه زمین بر ماه افتاده و ماه گرفتگی اتفاق می‌افتد. او با این تصویر نجومی، پیروزی ممدوح بر دشمن را به تصویر کشیده است.

۳۷- آفتاب در جوزا

چرا فروغ نیابد هوای سال امیر که آفتاب هنر رفت در دو پیکر جود
(انوری، ۱۳۳۷: ۱۴۷)

دو پیکر همان برج جوزاست. گفته شده است که «چون آفتاب در جوزا درآید، بهار، بهار می‌گردد و اثمار بر درختان وجود می‌گیرند و سبب پختگی و شیرینی میوه از آفتاب در جوزاست.» (حسینی اشکوری، ۱۳۹۳: ج ۱۶: ۱۲۳). حلول آفتاب در برج جوزا را مبارک دانسته‌اند. انوری نیز به دو پیکر رفتن آفتاب را سبب فروغ یافتن هوای سال امیر خوانده است که نشان از یمن و سعادت این طالع است.

۳۸- مشتری در میزان

بزرگوارا گفتم چو مشتری به رجوع ز اوج اول میزان شود به خانه تیر
به عون بخت و به تحویل او به میزان باز به راستی همه کارت شود چو قامت تیر
(انوری، ۱۳۳۷: ۲۵۵)

رجوع «بازگشت سیاره و حرکت طولی آن بر خلاف ترتیب بروج است. هر یک از سیارات به ویژه خمسه متحیره، گاهی حرکت بر توالی، یعنی مستقیم دارند، و گاهی برخلاف آن و گاهی ساکن به نظر می‌رسند. حرکت بر خلاف توالی آن‌ها را رجوع یا تراجع یا تدویر گفته‌اند و کوکب در این حالت راجع لقب دارد و این اختلاف در حرکات نتیجه تصور در حرکت توالی (گردش به دور زمین) و تدویر (حرکت به دور مرکز

دیگری) است و تراجع را حرکت یا رجعت کوکب از حرکت معمولی خود از مشرق به مغرب معنی کرده‌اند.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۱۵).

انوری در دعا برای ممدوح می‌گوید: امیدوارم وقتی که مشتری از برج میزان (برج هفتم) به خانه تیر یا عطارد که برج سنبله است (برج ششم) باز می‌گردد، به سبب یاری بخت و بازگشت مجدد مشتری به میزان، همه کارهای تو مثل قامت تیر راست گردد. دلیل خجسته بودن حلول مشتری در میزان این است که اوج مشتری که سعد اکبر است را در برج میزان دانسته‌اند. (رک به بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۳۷).

۳۹- طالع میزان

اثرهای کین تو چون نحس عقرب نظرهای لطف تو چون سعد میزان

(انوری، ۱۳۳۷: ۳۶۰)

طالع میزان را طالع تولد پیامبران می‌دانستند و طالع تولد پیامبر اسلام را نیز بدان منسوب می‌نمودند.

۴۰- ماه در سرطان

ای طالع نگون من ای کژ رو حرون ای نحس بی سعادت و ای خوف بی رجا

خرچنگ آبی و خداوند تو قمر آبی ست، سوزش تن و جان از شما چرا؟

(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۱۳۷)

خرچنگ یا سرطان خانه فرح ماه است (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۸۴). قمر نیز دارای طبع تر و آبی است.

بدین تری که دارد دست مهتاب نیارد ریختن بر دست من آب

(نظامی، خسرووشیرین، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

مسعود سعد با توجه به طالع خویش، ناسازگاری روزگار با خودش را شگفت می‌داند؛ او طالع خود را برج سرطان معرفی می‌کند که طبعی تر دارد و خویش را چون قمر در نظر می‌گیرد که صاحب خانه سرطان است (خانه قمر برج سرطان است)، آنگاه خطاب به طالعش می‌گوید: تو طبعی تر داری و صاحب خانه تو قمر است که او نیز طبعی تر دارد؛ و طبع این دو با هم سازگارند، پس چرا برای من بد یمن شده و موجب آزار و اذیت من می‌شود. با این اوصاف مسعود در سرطان بودن قمر را طالعی خجسته دانسته است اما برای اغراق در بد طالعی خویش و سختی روزگار، می‌خواهد بگوید حتی طالع نیکویی چون قمر در سرطان هم با من نمی‌سازد. مسعود در قصیده دیگری طالع ماه در خرچنگ را در برابر طالع عطارد در حوت که نحس است، قرار می‌دهد، که این نیز شاهی بر سعادت قمر در سرطان است.

گشته ام چون عطارد اندر حوت
گرچه بودم چو ماه در خرچنگ
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۵۴۰)

۴۱- نظر زهره

زهره ستارهٔ سعد اصغر است و نظر زهره خوش یمن و شادی آفرین است. مجلسی نظر زهره را در طالع پیامبر اسلام چنین توضیح داده است که « دلیل صباحت و شادی و بشاشت و حسن و طیب و جمال و بها و غنج و دلال اوست. » (مجلسی، ۱۳۸۰: ۶۷). در کتاب تنکلوشا دربارهٔ نظر زهره آمده است:

نظر زهره زین سبب خیر است که در اوتاد طالعش سیر است
(بی‌نام، ۱۳۸۴: ۱۶۹)

و مسعود حکم سلطان را در صلاح دولت و دین به فعل نیکوی مشتری و نظر مبارک زهره مانند کرده است:

اندر صلاح دولت و دین حکم نافذت
برجیس فعل گردد و زهره نظر شود
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۲۹۷)

۴۲- قران سعدین

به حقیقت قران سعدین است همه با دست تو قران قلم
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۶۰۹)

قران سعدین، قران زهره و مشتری است و انجام هر کاری در این طالع نیکوست. (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۸). مشتری سعد اکبر است و زهره سعد اصغر و قران این دو سعد، بسیار خوب و نیکوست.

۴۳- ماه در جوزا

زیرا چو مه به جوزا باشد بتا!
روز نشاط باشد و لهُو و بطر
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۲: ۹۶۴)

در مبارک بودن طالع قمر در جوزا، امیر خسرو دهلوی نیز گفته است:

بربست چون جوزا کمر آمد به جوزا زان قمر
یعنی که این عزم سفر، بر طالع میمون بود
(امیر خسرو، ۱۹۶۷: ۳۲۶)

۴۴- طالع قوس

قوس، خانهٔ مشتری است که سعد اکبر است. دربارهٔ این طالع در روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات آمده است که قوس، خانهٔ مشتریست به انواع دلایل سعادت موصوف و به اضاف آثار اقبال و دولت

محفوف. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۵۸). «صاحب طالع قوس را ملک طبع، رازدار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه خورش، معجب وصف کرده‌اند.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۰۶). ملک طبع بودن صاحب طالع قوس نشانه دیگری از مبارک و خجسته بودن طالع قوس است.

نسبت عقربی ست با قوسی بخل محمود و بذل فردوسی
اسدی را که بودلف بنواخت طالع و طالعی به هم در ساخت
(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۲۵)

۴۵- نظر کردن از تسدیس به آفتاب

شهردان، حالات سعادت ستارگان را چنین بر می‌شمارد: «اولا سعادت چون مناظر سعدان بود. ۲. میان دو سعد اندر حصار بود صمیمی. ۳. بر مناظره شمس یا قمر بود از تثلیث یا تسدیس. ۴. چون سریع سیر بود زاید در نور و عدد. ۵. در جایگاهی بود که او را اندر آن حظی باشد. ۶. اندر درجات نیر.» (شهردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۹۸). نظر کردن زحل از تسدیس به آفتاب مطابق گزینه سوم حالت سعدی و مبارکی دارد. از همین رو برای زمان عقد و ازدواج انتخاب شده است.

هم بر آن طالع که با زهرا علی مرتضی وصلتی کردی به توفیق خدای مستعان
مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب وصلتی کردی به حکم بخردان باستان
(انوری، ۱۳۳۷: ۳۶۷)

۴۶- قران عطارد و زهره

هنگامی که نظامی از پیوند میان خیر و دختر کرد سخن می‌گوید، همراهی آن دو دلداد را به همراهی عطارد و زهره تشبیه می‌کند. زهره ستاره سعد است و عطارد پذیرنده طبع ستارگان همراه؛ پس عطارد در همراهی با زهره، طبع سعد زهره را می‌پذیرد و طالعی سعد پیش می‌آید. همچنین با توجه به توصیف نظامی از این پیوند، فرخندگی همراهی عطارد و زهره دیده می‌شود.

دختر خویش را سپرد به خیر زهره را داد با عطارد سیر
تشنه مرده آب حیوان یافت نور خورشید بر شکوفه بتافت
(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۸۳: ۲۶۳)

۴۷- فتح باب

فتح باب «موقع اتصال دو کوكب است که خانه‌های آن‌ها مقابل یکدیگر باشند. مانند اتصال ماه یا آفتاب با زحل که خانه آن‌ها مقابل خانه زحل است یا اتصال زهره با مریخ،...؛ در شعر

فارسی فتح باب بیشتر برای نزول باران و گشایش کارها به کار رفته است.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۵۲).

نظامی در بیت زیر فتح الباب را برای گشایش کارها به کار برده است.

به فتح الباب دولت بامدادان ز در پیکی درآمد سخت شادان
(خسرو شیرین، ۱۳۸۳: ۱۵۹)

انوری فتح باب را در بیت زیر مقدمه باران دانسته است و می‌دانیم که نزول باران با توجه به ثمرات آن، مبارک است.

دست تو فتح باب بارانی ست که برآرد ز شوره مهر گیاه
(انوری، ۱۳۳۷: ۵۶۵)

مسعود نیز نظر فتح را سعد خوانده است.

چون هست سوی فتح ز گردون نظر سعد پیوسته سوی تیغ تو باشد نظر فتح
(مسعود سعد، ۱۴۰۰: ج ۱: ۲۳۶)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی اشعار نظامی، انوری و مسعود سعد سلمان، چهل و هفت طالع سعد نجوم احکامی را مشخص کرده و با مراجعه به آثار کهن و معتبر نجوم احکامی، علت سعد خوانده شدن آن‌ها را توضیح دادیم. در نتیجه این پژوهش قرائت صحیح و تفسیر دقیق و روشنی از بسیاری ابیات شعر فارسی که در ارتباط با نجوم احکامی هستند، میسر شد. در نتیجه بررسی طالع‌های سعد نجوم احکامی در اشعار مسعود، نظامی و انوری، مشاهده کردیم که هر ستاره‌ای در خانه خویش، در خانه فرح، و در خانه شرفش قوت می‌گیرد و اگر ستاره سعد باشد بر سعادت آن افزوده می‌شود. همچنین در اوج بودن ستاره سعد بر سعادت آن می‌افزاید. درباره طالع سرطان که مسعود سعد آن را دو پهلوی به کار برده بود و در نگاه اول به نظر می‌رسید که آن را برخلاف دیگران طالعی نحس دانسته است، نیز با ذکر نمونه‌های مختلف از اشعار دیگر شاعران و متون تاریخی، توضیح دادیم که این طالع، سعد است و مسعود، سرطان را که به معنی خرچنگ نیز هست، با آرایه استخدام به گونه‌ای به کار برده که با واژه طالع به برج سرطان اشاره می‌کند و با واژه کژ رو به خرچنگ؛ و در واقع کژروی را نه به

برج سرطان که به خرچنگ نسبت داده است. و درباره طالع « ماه در جدی » گفتیم که با توجه به آثار کهن نجوم احکامی، در برج جدی بودن ماه برای عامه مردم نحس اما برای پادشاهان مبارک دانسته شده است و نشانه پیروزی و کشورگشایی است.

منابع

- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۶۲). *التفهیم لاولئ صناعه التنجیم*. به تصحیح جلال همایی. تهران: چاپخانه بهمن.
- اسفزاری، معین الدین محمد زمچی (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکبری، محمدتقی و گروه نویسندگان (۱۳۸۶). *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- امیر خسرو، خسرو بن محمود (۱۹۶۷). *دیوان امیر خسرو دهلوی*. گردآوری انوارالحسن. لکهنو: راجه رام کماری بکدپور وارث نولکشور بکدپو.
- انوری، اوحالدین (۱۳۳۷). *دیوان اشعار*. جلد اول: قصاید. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- انوری، اوحالدین (۱۳۴۰). *دیوان اشعار*. جلد دوم: مفطعات، غزلیات، رعیات. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بناکتی، داوود بن محمد (۱۳۴۸). *تاریخ بناکتی*. به تصحیح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی.
- بی‌نام (۱۳۸۴). *تنکوشا*. به ضمیمه مدخل منظوم از عبدالجبار خجندی. با مقدمه و تصحیح رحیم رضا ملک زاده. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- جلالوند، علی (۱۳۹۶). *اصطلاحات نجومی در شعر مسعود سعد سلمان*. تهران: نگارکمال.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). *زبده التواریخ*. گردآورنده: کمال حاج سید جواد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

حسینی اشکوری، صادق (۱۳۹۳). مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی مشترک ایران و عراق. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

حسینی، قاسم بن محمد (بی تا). قوت و ضعف کواکب. بی تا: بی جا. خاقانی، افضل الدین ابراهیم بن علی (۲۵۳۷). دیوان اشعار. به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی. تهران: چاپخانه مروی.

خزائی، محمد (۱۳۵۶). شرح بوستان. تهران: جاویدان.

رازی، امین احمد (بی تا). هفت اقلیم. تصحیح و تنظیم جواد فاضل، تهران: علی اکبر علمی.

رستم الحکما، محمد هاشم (۱۳۸۲). رستم التواریخ. گردآوری: میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.

سجادی، سید احمد و قاسمی، رحیم (۱۳۸۳). میراث حوزه اصفهان. تهران: عترت.

سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۲۹). حدیقه الحقیقه. به تصحیح مدرس رضوی. تهران: چاپخانه سپهر.

سید حسن غزنوی، اشرف الدین ابو محمد (۱۳۶۲). دیوان اشعار. به تصحیح و مقدمه محمد تقی مدرس رضوی. چا دوم. تهران: انتشارات اساطیر.

شبانکاره ای، محمد بن علی (۱۳۸۱). مجمع الانساب. به تصحیح میر هاشم محدث. تهران: امیر کبیر.

شهمردان ابن ابی الخیر رازی (۱۳۸۲). روضه المنجمین. به تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانی. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳). شرح مثنوی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۷). شرح لغات و مشکلات دیوان انوری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. دفتر دوم ۱۷۷-۱۰۷ ه. ق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۹۱۳). اکبرنامه. لکنهو: منشی نولکشور.

فرست شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (۱۳۷۷). آثار عجم. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

فشنک ساز، نیلوفر (۱۳۹۱). *اساطیر یونان و صور فلکی*. تهران: سبزان.

فرهاد میرزا قاجار (۱۳۸۶). *مقام زخار و صمصام بتار*. مصحح: محمود محرمی. تهران: کتابچی.

کرمانشاهی، آقا محمدعلی (۱۴۱۳). *راد شبهات الکفار*. به تصحیح و تنظیم مهدی رجایی. قم: انصاریان.

گوپینارلی، عبدالباقی (۱۳۸۷). *ملا مت و ملامتیان*. با ترجمه توفیق هاشم پور سبحانی. تهران: روزنه.

لاهوری، محمدرضا بن محمد اکرم (۱۳۷۷). *مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی*. تهران: روزنه.

ماهیار، عباس (۱۳۸۲). *از ثری تا ثریا (شرح مشکلات دیوان خاقانی)*. تهران: جام گل.

ماهیار، عباس (۱۳۹۳). *نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی*. تهران: اطلاعات.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). *حیات القلوب*. تحقیق سید علی امامیان. چاپ ششم. قم: سرور.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰). *جلاء العیون (تاریخ چهارده معصوم)*. به تصحیح و تنظیم علی امامیان. قم: سرور.

محمدی لعل آبادی، مسعود (۱۳۹۲). *از حمل تا حوت خاقانی*. تهران: سکر.

مدرسی گیلانی، مرتضی (بی تا). *اختیارات نجومی*. بی جا: بی نا.

مروزی بخاری، محمد بن مسعود (بی تا). *کفایه التعلیم فی صناعه التنجیم*. بی جا: بی نا.

مسعود سعد سلمان (۱۴۰۰). *دیوان اشعار*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد مهیار. تهران: پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی.

مسعودی (۱۳۶۵). *التبیه والاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵ تا ۱۳۷۴). *دایره المعارف فارسی*، ج ۱ و ۲. فرانکلین و امیر کبیر.

مصطفی، ابوالفضل (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۷). *مثنوی معنوی*. به اهتمام شمس الدین خورشیدکلاه. تهران: صدای معاصر.

نبئی، ابوالفضل (۱۳۶۶). تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ. مشهد: آستان قدس رضوی.

نصیرالدین طوسی، محمدبن محمود (بی‌تا). شرح ثمره بطلمیوس در احکام نجوم. گردآورنده جلیل اخوان زنجانی. تهران: دفتر میراث مکتوب، آینه میراث.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۳). کلیات نظامی. به تصحیح و شرح وحید دستگردی. چاپ اول. تهران: طلایه.

نعمت الله ولی، نعمت الله بن عبدالله (۱۳۸۰). دیوان اشعار. کرمان: خدمات فرهنگی کرمان.

ورجاند، پرویز (۱۳۶۶). کاوش رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران. تهران: امیرکبیر.

مقالات

زرگری، فاطمه (۱۴۰۰). نسبت احکام نجوم با طب جالینوسی در تاریخ میانه ایران. تاریخ علم، دوره ۱۹، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰. ص ۱-۲۵.

صرفی، م.، و افاضل، ر. (۱۳۸۹). بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجوی کرمانی. کهن نامه ادب فارسی، ۱ (۲) (پیاپی ۲)، ۵۳-۷۶.

غلامی، زهرا (۱۳۹۹). سعد و نحس ایام در باورها و امثال و حکم بیرجند. دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۸، شماره ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۹۹.

فرهمای، اکرم و اشرف زاده، (۱۳۹۹). بررسی اصطلاحات نجوم در دیوان ابوالفرج رونی، ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران، تهران.

فولادی سپهر، ر.، و ماهیار، ع. (۱۳۹۳). کیفیت تصویرپردازی از احکام نجوم در سخن انوری. زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی)، ۲۲ (۷۶)، ۸۹-۱۰۷.

معصومی همدانی، حسین (۱۳۶۵ و ۱۳۶۶). فخر رازی و مسأله حرکت وضعی زمین. تحقیقات اسلامی، سال اول شماره ۲ و سال دوم شماره ۱.

References

The Quran

Abu Rayhan Biruni, Muhammad ibn Ahmad (1362/1983). *Al-tafhym li awa'il sana'at al-tanjim* [Book of instructions in the elements of the art of astrology]. edited by Jalal Homaee. Tehran: Bahman.

Abu Rayhan Biruni, Muhammad ibn Ahmad (1380/2001). *Istiab al-wujuh al-mumkinah fi sinat al-asturlab* [Procedures Necessary for Building an Astrolabe]. Commentary by Mohammad Akbar Javadi Hosseini. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.

Anklesaria, B. T. (1908). *The Bûndahishn*. Bombay: 1908.

Anousheh, Hasan (1376/1997). *Farhangnameh adab Farsi* [Persian literature dictionary]. Vol.1. Tehran: Printing and Publishing Foundation.

Anvari, Ohadoddin (1337/1959). *Divan-e ashar* [The divan of Anvari]. Vol.1: (odes). Commentary by Mohammad Taghi Modarres Razavi. Tehran: Bongah-e Tarjome va Nashre Ketab.

Anvari, Ohadoddin (1340/1961). *Divan-e ashar* [The divan of Anvari]. Vol.2: (fragments, sonnets, quatrains). Commentary by Mohammad Taghi Modarres Razavi. Tehran: Bongah-e Tarjome va Nashre Ketab.

Bickerman, E. & Henning, W.B. (2005). *Elm dar Iran va shargh-e bastan* [Science in Iran and ancient east] (Homayoon San'atizadeh, Trans.). Kerman: Shahid Bahonar University, & Ghatreh.

Danisari, Shams al-Din Muhammad (1350/1971). *Navadir al-tabadur li tuhfat al-bahadur*. Introduction and commentary by Mohammad Taghi Daneshpazhouh & Iraj Afshar. Tehran: Entesharat-e Bonyad-e Farhang-e Iran.

Darini, R., Razawi, R., Ranjbar Hoseyni, M., & Mostarhami, S. I. (1400/2022). *Baztab-e farzieh-ye heya't-e batlamiyusi dar asar-e motekalleman-e emamieh* [Reflection of Ptolemy's hypothesis in the works of Imami theologians on the issue of throne and seat]. Journal of Imamiyyah Studies, 7(14), 49-71.

Elhami, Fatemeh (1388/2009). *Bavar haye nojoui dar sher-e Nezami* [Astrological Beliefs in Nezami's Poetry]. Ketabe Mahe Adabiat, 34 (148), 42_52.

Farhomay, Akram. & Ashrafzadeh (1399/2020). *Barresi-ye estelihat-e nojoom dar divan-e Abolfaraj Rouni* [Study of astronomical terms in the divan of Abolfaraj Rouni]. The 6th National Conference on Modern Research in Language and Literature of Iran, Tehran.

Farshad, Mehdi (1365/1986). *Tarikh-e elm dar Iran* [History of science in Iran]. Tehran: Amirkabir.

Feiz Kashani, Molla Mohsen (1383 AH/1963). *Al-mahjate al-baiza fi tahzib al-ehya* [The clear path]. Tehran: Jame'e Modarresin.

Fouladi Sepehr, Razieh. & Mahyar, Abbas (1393/2014). *Keyfiat-e tasvir pardazi az ahkam-e nojoom dar sokhan-e Anvari* [The painting of the astronomical principles in the poetry of Anvari]. Persian Language and Literature (Journal of the faculty of literature and humanities (Kharazmi university)), 22 (76), 89-107.

Gholami, Zahra (1399/2020). *Sa'd va nahs-e ayam dar bavarha va amsal va hekam-e Birjand* [Good and bad influence on the days within the beliefs and proverbs of Birjand region]. Journal for Cultural and Folk Literature, 8(32).

Halabi, Ali Asghar (1378/1999). *Si ghaside-ye Naser Khosrow* [Thirty odes of Naser Khosrow]. 9th print. Tehran: Payam Noor.

Ibn Rasteh, Ahmad ibn Omar (1365/1986). *Al-alagh al-nafisah* (Hosein Gharechanlu, Trans.). Tehran: Amirkabir.

Jalalvand, Ali (1396/2017). *Estelihat-e nojoui dar sher-e Masud Sa'd Salman* [Astronomical terms in the poems of Masud Sa'd Salman]. Tehran: Negar Kamal.

Jamasb Asana, J. M. (1913). *Motoun-e Pahlavi* [Corpus of Pahlavi Texts]. Bombay.

Khaghani, Afzaludin Ibrahim ibn Ali (2537). *Divan Khaghani*. Commentary by Ali Abdulrasuli. Tehran: Marvi.

Mahyar, Abbas (1382/2003). *Az Sora ta Soraya: Sharh-e moshkelat-e divan-e khaghani* [from Sora to Soraya: A description of the problems of the divan of Khaghani]. Tehran: Jam-e Gol.

Mahyar, Abbas (1393/2014). *Nojoum-e ghadim va baztab-e an dar adab-e Parsi* [Traditional astronomy and its reflection on Persian literature]. Tehran: Etelaat.

Majlesi, Mohammad Bagher (1404 AH/1983). *Bihar al-Anwar* [Seas of lights]. Beirut: Al-Wafa Institute.

Masudi (1365/1986). *Al-tanbih va al-ashraf* [warning and supervision] (Abolghasem Payandeh, Trans.). 2nd print. Tehran: Elmi va Farhangi.

Masud Sa'd Salman (1400/2021). *Divan-e ashaar* [Divan poetry]. Introduction and commentary by Mohammad Mahyar. Tehran: Pazhoheshgah-e Olom va Motaleat-e Farhangi.

Meibodi, Abolfazl (1331-1339/1952_1960). *Kashf al-Asrar* [unveiling of secrets]. Commentary by Ali Asghar Hekmat. Tehran: University of Tehran.

Mohammadi La'al Abadi, Masoud (1392/2013). *Az hamal ta hoot Khaghani* [From Aries to Pisces in Khaghani poetry]. Tehran: Sokr.

Mosaffa, Abolfazl (1381/2002). *Farhang estelahat-e nojumi hamrah ba vazheh haye keyhani dar sher-e Farsi* [Dictionary of astronomical terms accompanied by cosmic words in Persian poetry]. Tehran: Pazhoheshgah-e Olom va Motaleat-e Farhangi.

Nezami, Ilyas ibn Yusuf (1383/2003). *Kolliat-e Nezami* [Collected works]. 1st print. Commentary by Vahid Dastgerdi. Tehran: Talayeh.

Nikkhah, Mazaher (1388/2009). *Sovar-e falaki dar sher-e Nezami* [Constellations in Nezami poetry]. Journal of Literary Criticism and Stylistics Research, 3(24), 255-268.

Plato (1366/1987). *Dore-ye asar-e aflatun* [Plato complete works] (Mohammad Hasan Lotfi, Trans.). Vol.3. 3rd ed. Tehran: Kharazmi.

Razavi, Rasoul. & Reza, Darini (1396/2017). *Vakonesh-e motekalleman dar barabar-e chalesh haye barkhasteh az heya't-e batlamiyusi* [The Reaction of Theologians to The Raised Challenges from Ptolemaic System]. Journal of Kalam Islami, 26(103), 129_145.

Reza, Enayatollah (1374/1995). *Dayerat al-maaref bozorg-e eslami* [Encyclopedia Islamica]. 2nd print. under the supervision of Kazem Mosavi Bojnordy. Tehran: Dayerat al-Maaref Bozorg-e Eslami.

Sabzevari, Mola Hadi (n.d.). *Hadi al- Muzillin* [A guide for the perplexed]. Tehran: Anjomane Asar va Mafakhere Farhangi.

Sarfi, Mohammad Reza. & Afazel, Razieh (1389/2010). *Baztab-e bavar haye nojoumi dar Khamseh Khwaju Kermani* [The reflection of astronomical beliefs in Khwaju Kermani's Khamseh]. Journal for Classical Persian Literature, 1(2), 53-76.

Sayyid Hasan Ghaznawi, Ashraf al-Din Abu Muhammad (1362/1983). *Divan Ashaar* [Divan poetry]. 2nd print. Introduction and commentary by Mohammad Taghi Modarres Razavi. Tehran: Entesharat Asatir.

Shahmardan ibn Ali al-Khair Razi (1382/2003). *Rowzat al-Munnajjimin*. Commentary by Jalil Akhavan Zanjani. Tehran: Miras Maktoob.

Shamsuddin Mohammad, Hafiz (1386/2007). *Divan_e ashaar* [Divan poetry]. Tehran: Nashre Didar.

Suyuti, Jalal al-Din (1414 AH/1993). *Al-Durr Al-Manthur* [The scattered pearls: intertextual exegesis]. Beirut: Dar Al-Fekr.

Tafazoli, Ahmad (1354/1975). *Minooye Kherad* [Spirit of wisdom]. Tehran: Bonyade Farhange Iran.

Zargari, Fatemeh (1400/2021). *The effects of astrology on Galenion medicine in medieval Iranian history*. Journal for the History of Science, 19(1), 1-25.